

امریزدان علیمردان‌اف

آیا استاد رودکی را «حکیم» خواندن رواست؟

زیبا بودار مرو بن‌آزد به کسایی چونان که جهان جمله به استاد سمرقند

(مروزی، قرن ۱۱ م)

مآخذ ادبی و تاریخی زیادی که در طی قرن‌ها به شکل و اصولهای گوناگون نوشته شده‌اند، دایر به لحظه‌های حیات و فعالیت و شخصیت و آثار استاد ابو عبدالله رودکی کم و بیش معلومات داده، در انواع نظم پارسی دری استاد برجسته و مهارت والای خوانندگی، نوازندگی و سرایندگی او را تأکید نموده‌اند و شهرت فراوان اشعار پرمضمون و دلپذیرش را خاطر نشان ساخته‌اند. هرچند که معلومات دایر به استاد رودکی در برخی از منابع جنبه توصیفی دارد و به استثنای تغییرات و تحریرهای جداگانه، تکرار همدیگر می‌باشند، اما آنچه که تا امروز ما در خصوص استاد رودکی می‌دانیم، از همین مآخذ سرچشمه می‌گیرند و در زمینه تحلیل و تحقیق همین اخبار به وجود آمده است.

در ضمن معلومات ترجمه حالی در منابع ادبی و تاریخی، یک سلسله القاب و عنوانهای افتخاری برای استاد رودکی استفاده شده، از قبیل آدم الشعراء، سلطان شاعران، سلطان الشعراء، شاعر سبحان دستگاه، سر حلقه اساتید متقدمین، کاروانسالار شعراء، صاحبقران شاعری، نوادر فلکی و مانند اینها که بیشتر آنها خصوصیت توصیفی، ادای احترام و اعتراف و تأکید مهارت و استعداد بلند سخنوری شاعر را داشته، از مقام بزرگ شاعری و شهرت زیاد اشعار او و سهم نهایت بزرگ وی در ایجاد، تکامل و رواج و رونق انواع نظم دری شهادت می‌دهند.

در این مقاله کوتاه ما در باب یکی از عنوانهایی که برای استاد رودکی استفاده شده، یعنی «حکیم» توقف نموده، حتی الامکان صحت و سقم این عنوان را نسبت به استاد رودکی و حکیم بودن یا نبودن او معین نماییم. علت اساسی این پرداختن به این موضوع، شبهه برخی دانشمندان و حتی انکار این عنوان از سوی دانشمند معروف و رودکی شناس برجسته قرن ۲۰ ایران سعید نفیسی است. سعید نفیسی در اثر مفصل و مکمل خود دایره به استاد رودکی با عنوان «احوال و اشعار ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی سمرقندی»، در خصوص القاب رودکی در مآخذ سخن رانده، در تذکره‌هایی مانند «آتشکده» (تألیف سال ۱۱۷۹/۱۷۶۵م) و «مجمع الفصحا» (تألیف سال ۱۲۸۴/۱۸۶۸-۱۸۶۷م) عنوان «حکیم» خواندن او را نامناسب و نادرست می‌شمارد و برای تصدیق فکر خود چنین دلایل می‌آورد: «ولی البته در این موارد هر چه مؤلف به عصر صاحب ترجمه نزدیکتر باشد، قول او معتبرتر است. و دلیل دیگر آنکه در قرن چهارم معمول نبوده است که کلمه «حکیم» را در لقب شعرا به کار برند و با اینکه شهید بلخی در همان زمان از اجله حکمای زمانه بوده، وی را در کتب «حکیم» نخوانده‌اند.»^۱ اما تحقیق دقیق در معلومات مأخذها و آثار باقیمانده نشان می‌دهد که این نظر سعید نفیسی به حقیقت راست نمی‌آید.

اولاً باید اعتراف کرد که با عنوان «حکیم» خواندن استاد رودکی در تذکره‌ها و منابع دیگر در دوره‌های بعدی (بعد از قرن ۱۵ م) نیز به نظر می‌رسد و در این خصوص تا اندازه‌ای حق به جانب سعید نفیسی است. اما در عین زمان نباید همین حقیقت بی‌بحث را نادیده گرفت که مأخذهای بعد از قرن ۱۵ در بعضی موارد بر اساس معلومات منابع دوران پیشین نوشته شده‌اند و معلومات این مأخذ را بدون تصحیف و تغییر عیناً آورده‌اند.

علاوه به منابعی که سعید نفیسی ذکر کرده، چندین منبع مانند «کلمات الشعرا»ی محمدافضل سرخومش (تألیف سال ۱۶۸۲ م)، «ریاض الشعرا»ی والء داغستانی (تألیف سال

۱۷۴۸/۵۱۱۶۱ م)، «مرآت آفتاب نما»ی نواب عبدالرحمان خان دهلوی، «نشر عشق» حسینقلی خان عظیم آبادی (تألیف سال ۱۸۱۷ م) و «مطلع العلوم و مجمع الفنون» واجدعلی مُجمعلی (تألیف سال ۱۸۴۶-۱۸۴۵ م) رودکی را با عنوان «حکیم» یاد می‌کنند. مؤلف «نشر عشق» حتی استاد رودکی را از بزرگترین حکیمان در حکمت ارسطو دانسته است.^۲

دیگر، در دیوان اشعار شاعر نیمه اول قرن ۱۱ فارس و تاجیک منوچهری دامغانی (وفات سال ۵۴۳۲/۱۰۴۰ م)، که در زمان نزدیک به زندگی استاد رودکی می‌زیسته، پاره شعری جا دارد که در آن استاد رودکی، شهید بلخی و بعضی شاعران دیگر قرن ۱۰ با عنوان «حکیم» ذکر یافته‌اند. این پاره شعر در قصیده‌ای آورده شده با چنین مطلع:

گاه توبه کردن آمد از مدایح وز هجا کز هجا بینم زیان و وز مدایح سودنا
منوچهری در این قصیده از شومی ایام خود، بی عزتی اهل علم و ادب، کساد بازار شعر و شاعری شکایت نموده، زمان مساعد و خوب سلطنت آل سامان را با حسرت یادآوری می‌کند:

«گر خسیسان را هجا گویی، بلی باشد مدیح
گر بخیلان را مدیح آری، بلی باشد هجا
روزگاری پیشمان آمد بدین صنعت همی
هم خزینه، هم قبیله، هم ولایت، هم لوا
از حکیمان خراسان کو شهید و رودکی
بوشکور بلخی و بوالفتح بوستی هکذا؟!
گو بیایید و ببینید این «شریف آسام را»
تا کند هر کز شما را شاعری کردن کرا
روزگاری کان حکیمان و سخنگویان بدند
بود هر یک را به شعر نغز گفتن اشتها

اندر این ایام ما بازار هزل است و فسوس

کار بوبکر ربایی دارد و طنز جحاً

بیت‌های ۳ و ۵ این قصیده منوچهری دامغانی به آن دلالت می‌نمایند که در قرن ۱۰ نسبت به شاعران و دانشمندان اعطای عنوان «حکیم» معمول بوده است و در همان روزگار استاد رودکی را با همین لقب می‌خواندند. به نظر ما، بر اثر تأثیر همین سنت در مأخذها باز نامهای شماری از سخنوران و دانشمندان اواخر قرن ۱۰ و قرن ۱۱ از قبیل ابوالقاسم فردوسی، کسایی مروزی، ناصر خسرو و عمر خیام با عنوان حکیم به کار رفته است.

در «لغتنامه»ی علی اکبر دهخدا، که از جمله معتبرترین فرهنگهای زبان فارسی دانسته می‌شود، در ردیف دانا، فرزانه، خردمند، فیلسوف، پزشک، دانای علم حکمت، راستکار و درست‌گفتار و استوار، به معنی شاعر استفاده شدن مفهوم «حکیم» هم ذکر گردیده است. در حقیقت، در آثار شاعران دوران پیشین فارس و تاجیک ابیات زیادی را می‌توان مشاهده کرد که در آنها «حکیم» به معنی شاعر یا سخنور به کار رفته است. مثلاً:

چه گفتند آن حکیمان سخنگوی که بردند از ملایک در سخن گوی

(ناصر خسرو)

حکیمان را سخن مدحت تو ناگفتن جنایتها شگرف و خیانتی است عظیم

(سوزنی سمرقندی)

متفکر مشهور خواجه نصرالدین طوسی در آغاز «اخلاق ناصری» در باره انواع حکمت و صفت‌های «حکیم» معلومات مفصل آورده است.^۴ اگر ما میراث ادبی باقیمانده استاد رودکی را در پرتو همین سخنان نصرالدین طوسی بنگریم، آنگاه خواهیم دید که او در حقیقت صاحب بیشتر صفت‌های «حکیم» می‌باشد و آثار او نیز سراسر به حکمت آراسته و پیراسته است.

استاد رودکی به جهان، ماهیت هستی و حیات انسان، اهمیت تجربه و دانش در زندگی حکیمانه می‌نگرد و آنها را حکیمانه شرح می‌دهد. او عدالت و سخاوتمندی و عالی همتی را

ستایش می‌کند و آبادی جهان را از عدالت و سخاوت و نیکوکاری می‌داند. میراث ادبی شاعر سرشار از پند و اندرز و تشویق اخلاق حمیده می‌باشد. از جانب استاد رودکی به نظم در آورده شدن کتاب «کلیله و دمنه» که مخزن بی‌مثل حکمت و پند و اندرزهای عمومی بشری است، شاهد به مسئله تهذیب اخلاق توجه فراوان ظاهر ساختن و در این جاده سعی و کوشش زیاد به خرج دادن او می‌باشد. مطالعه و تحقیق میراث ادبی باقیمانده استاد رودکی روشن نشان می‌دهد که در ایجادیات او اشعار حکیمانه و پند و اندرزهای مفید و خردمندانه با محک تجربه آزموده شده جایگاه به نظر نمایان را اشغال نموده‌اند.

در نهایت، بر اساس دلیلهای در بالا بیان شده می‌توان به چنین خلاصه روشن و حقیقی آمد که نسبت دادن عنوان «حکیم» به استاد رودکی «اختراع» مؤلفان تذکره‌های بعد از قرن ۱۷ نبوده، بلکه حقیقت محض است و با این عنوان خواندن او از زمان حیات وی آغاز گردیده است. درستی این اندیشه را بیت زیرین مرثیه‌ای که یکی از شاعران قرن ۱۰ به مناسبت فوت استاد رودکی و از این حادثه مدهش غمگین گردیدن اهل ادب گفته است، بار دیگر تأیید و تصدیق می‌نماید:

رودکی رفت و ماند حکمت او می‌بریزد، نریزد از می‌بوی...^۵

در مقاله آقای مسعود قاسمی «بعضی ابیات تازه رودکی در آثار کهن» از کتابی به نام «شرح قصیده فارسی خواجه ابوالهیثم احمد ابن حسن جرجانی منسوب به محمد سرخ نیشابوری» این یک مصرع شعر رودکی: «سرّ حکیمان به خراسان مراست» آورده شده است^۶ که آن هم واقعاً به حکیم بودن و حکیم خوانده شدن رودکی شهادت می‌دهد.

پانوشتها:

۱. سعید نفیسی. احوال و اشعار ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی سمرقندی. مجلد دوم. تهران- ۱۳۱۰. ص ۴۶۱.
۲. حسینقلیخان عظیم ایادی، تذکیرة «نشر عشق»، کتاب دوم با تصحیح ا. جانفزا. نشریات «دانش»، دوشنبه- ۱۹۸۲: ص ۶۰۲ و ۶۰۳.
۳. دیوان استاد منوچهری دامغانی با تصحیح و تهشیة محمد حسین نهماودی، تهران، ۱۳۲۶ه، ص ۲۴۳.
۴. خواجه نصر الدین طوسی. اخلاق ناصری. تصحیح و توضیح مجتبی مینوی- علی رضا حیدری. چاپ پنجم. تهران ۱۳۷۳. -ص ۴۷ و منبهد.
۵. شمس الدین محمد ابن قیس رازی. المعجم فی معایر اشعار العجم. تهران- ۱۳۱۴ شمسی. -ص ۲۲۴.
۶. مسعود قاسمی. بعضی ابیات تازه رودکی در آثار کهن. مجله «رودکی»، سال چهارم، شماره ۴، ۲۰۰۳. -ص